

قرآن و مسئله مطالعات میان رشته‌ای

(با تاکید بر آیه ۹۱ سوره حجر)*

امین فتحی**

چکیده

در معنی و مقصود از آیه «...الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» احتمالات زیادی بین مفسران مطرح شده است که یکی از آن‌ها، جزیره‌ای دیدن موضوعات قرآن و نادیده گرفتن یکپارچگی آیات الهی می‌باشد. همانطوریکه مسائل مختلف زندگی بمانند اعضای بدن، باهم ارتباط داشته و در یکدیگر تاثیر می‌گذارند. قرآن نیز کتاب هدایت انسان است و کتابی برای زندگی اوست، موضوعاتش کاملاً با هم مرتبط می‌باشد؛ بدین جهت، پرداختن به مسئله‌ای در قرآن با در نظر گرفتن سایر موضوعات مرتبط، به روشنایی و واقع بینی در فهم مسائل پژوهشی و نیز بومی سازی علوم کمک کرده و به نتایج مثبت و روشن تری منتهی می‌شود. در این مقاله با استناد به جامعیت و یکپارچگی آیات قرآن و چند وجهی بودن سوره‌های آن در عین ضابطه‌مندی و معیار پذیری، بر ضرورت نگرش جامع‌گرایانه جهت مطالعات میان رشته‌ای تاکید شده است. روش کار به شیوه تدبیر در آیات بوده و استنادات آن کتابخانه‌ای می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: آیات بین رشته‌ای، تفسیر موضوعی، یکپارچگی قرآن، بومی سازی علوم،

سوره‌ی حجر

** تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۱- بیان مسئله

امروزه در ضرورت رویکرد به مطالعات میان رشته‌ای در پژوهش‌های علوم مختلف، بخصوص علوم انسانی بین اندیشمندان، تردیدی وجود ندارد. مطالعه و پژوهش در قرآن کریم نیز به عنوان کتاب زندگی، که برای هدایت انسان (هدی للناس...) (بقره/۱۸۵)، و مایه رشد و شکوفایی استعدادهای آدمی (یهدی الی الرشد...) (جن/۲)، بوده و موجب شفای دردها و آلام بشری (وُنزِلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ...) (اسراء/۸۲)، و منشا برکات است (وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ...) (انعام/۹۲)، بدون در نظر گرفتن یکپارچگی آیات الهی، و جزیره‌ای دیدن موضوعات آن، کاملا میسر نشده و از جامعیت و واقع‌نمایی مطلوب برخوردار نخواهد شد. از منظر فیزیک ذرات بنیادی، پیوستگی اجزای تمامی اشیاء و پدیده‌های گیتی، امری روشن و مسلم می‌نماید (ر.ک: کایرا، ۱۳۷۵: ۱۳۸)، موضوعی که در فرهنگ ایرانی، بیت مشهور سعدی که می‌فرماید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیک گوهرند

(سعدی، ۱۳۹۴)

نیز بر آن ناظر بوده و در عرفان اسلامی بر یکپارچگی حقیقت مخلوقات صحه گذاشته شده است. «جهان از بی‌نهایت اجزا تشکیل شده و همه این اجزا با یکدیگر مرتبط و از همدیگر به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم تاثیر می‌پذیرند؛ لذا نمی‌توان با در نظر گرفتن تنها یک جز، درک درستی از واقعیت آن داشت. این امر، نه تنها در جهان؛ بلکه به جامعه و هر کلی که شامل اجزای مرتبطی باشد نیز قابل تعمیم است. داشتن دید کل‌نگر و توانایی دیدن اهمیت و ارتباط اجزا می‌تواند کمک بسیار بزرگی در جهت حل مسائل پیچیده امروز بوده و منجر به تصمیمات بهتر و نتایج جامع‌تری گردد» (کریمی، ۱۳۹۲ش)

بنابراین مجموعه پدیده‌های هستی، با همدیگر پیوستگی داشته و از همدیگر تاثیر می‌پذیرند؛ قرآن کریم نیز که کتاب هستی است از این قاعده بیرون نیست؛ چرا که

«مجموعه‌های جهان بر اثر روابط توحیدی، آنچنان همبستگی و انسجام پیدا کرده‌اند که هر مجموعه‌ای، یک کل منسجم و واحد و یکپارچه است، و به عبارت دیگر، دارای هویت توحیدی پویاست؛ به طوریکه به سوی هویت برتر در حرکت بوده و تشنه‌ی نیل به هویت توحیدی مرتبه‌ی بالاتر می‌باشد» (وردی‌نژاد و شهرام، بی‌تا).

بدین جهت است که مطالعه جهت حل مشکلی از مشکلات جامعه، بدون توجه به سایر معضلات موجود، به تنهایی و با نگاه جزء نگر قابل بررسی نخواهد بود.

یکی از تمایزهای مهم طب نوین با طب سنتی نیز در جزء‌نگری طب نوین است. «از شواهد موجود چنین بر می‌آید که در روزگاران کهن، تن و روان را یک پارچه می‌پنداشتند. یونانیان از نخستین مردمانی بودند که فرضیه‌ی جدایی تن و روان را مطرح کردند و در این دوران، تأثیر عوامل روانی بر بیماری کاملاً نادیده گرفته می‌شد. اکنون ما شاهد تغییرات زیادی در این شیوه تفکر هستیم. در حال حاضر، دانشمندان معتقدند سلامت جسمی فرد با عوامل روانی و محیط اجتماعی وی در ارتباط است. تن و روان با یکدیگر در تعاملند و هر دو در سلامت و بیماری دخالت دارند» (منشئی، ۱۳۷۶ش، ۴۰۳)

گرچه تخصصی شدن علوم و کشف اسرار علمی پدیده‌ها، خود به خود، امری مطلوب می‌باشد، و موجب راز گشایی از آیات الهی می‌گردد، و گامی در جهت پژوهشی شدن امور محسوب می‌شود، اما لحاظ کردن پیوستگی امور و کشف روابط اشیاء، یافته‌های تخصصی علوم را کم آسیب و پربارتر می‌کند. با در نظر گرفتن حجم گسترده موضوعات کتاب الهی و عمق معانی آیات، قرآن کریم بمثابة اقیانوس بیکرانی می‌ماند که احاطه علمی کامل بر آن را جز بر وارثان کتاب و همتایان قرآن - در حدیث گرانقدر ثقلین - یعنی اهل بیت پیامبر اسلام (ص)، محدود و دشوار می‌سازد؛ اما در عصر غیبت امام (عج)، با کمک گرفتن از بیانات راهگشای آن بزرگواران به‌عنوان تبیین گران معصومانه قرآن، می‌توان در حد توان در بومی سازی علوم، بخصوص علوم انسانی و نیز قرآنی سازی علوم بومی، به صورت

مطالعات میان رشته‌ای بهره جسته و خدماتی را به جامعه ارائه نمود. هر چند در موضوع «ارتباط آیات سوره‌ها»، تحت عناوین: «وحدت موضوعی سوره‌ها»، «وحدت سیاق آیات» و «هدفمندی سوره‌ها» و یا «ساختار هندسی سوره‌ها»، طی قرون گذشته، آثار متعدد و مفیدی ارائه شده است و تبیین و نقد آن در عصر حاضر رونق یافته است؛ «بگونه‌ای که هم اکنون یکی از بخش‌های ثابت اکثر تفاسیر شیعه و سنی را» بررسی اهداف و مقاصد سوره‌ها تشکیل می‌دهد؛ همانند: «تطهیر با جاری قرآن» نوشته‌ی مرحوم علی صفایی حائری (۱۳۹۰ش)، «نظم قرآن» نوشته‌ی عبدالعلی بازرگان (۱۳۷۲ش) و «پژوهشی در نظم قرآن» نوشته‌ی؟ عبدالهادی فقهی زاده (۱۳۷۴ش) «قرآن ناطق» به قلم عبدالکریم بی‌آزار شیرازی (۱۳۷۷ش)، «چهره پیوسته قرآن» نوشته‌ی سیدمحمدعلی ایازی، (۱۳۸۰ش) و نظریه هدفمندی سوره‌ها، اثر محمد خامه‌گر، (۱۳۸۶ش) و غیره؛ اما در مسئله ارتباط آیات و سوره‌های قرآن کریم و پیوستگی کتاب الهی بطوری که نمایانگر ظرفیت‌های پژوهشی میان رشته‌ای قرآن باشد، آثار درخور توجهی تالیف نشده است.

۲- مبانی و مفاهیم

مطالعه میان رشته‌ای عبارت از «تلفیق علوم مختلف و دستاوردهای آنها برای ایجاد شناخت بهتر و کاملتر از پدیده‌های علمی است. آنچه که رشته‌ها را به مثابه جزیره‌های در خود فرو رفته ایجاد کرده، بیش از آنکه ناشی از مفهوم پردازی درونی علم باشد، ناشی از عملکرد جامعه علمی است» (رحمانی، ۱۳۹۲ش: ۱۷)؛ چرا که «فرآیند پاسخ‌دهی به سؤالات، حل مسئله و یا بررسی یک موضوع، گسترده‌تر یا پیچیده‌تر از آن است که بتوان با استفاده از یک رشته و یا تخصص بدان پرداخت» (ایزدی جیران، ۱۳۸۸ش).

«پیچیدگی انسان موجب می‌شود که رویکرد ما در مطالعات قرآنی، بیشتر به میان رشته‌ای تمایل داشته باشد. مطالعات میان رشته‌ای قرآنی به دو گونه‌ی اصلی میان رشته‌ای روشی و نظری تقسیم می‌شود؛ میان رشته‌ای روشی عبارت بود از استفاده از تکثر روش

شناختی به منظور حل معضله‌های چندتباری، و میان رشته‌ای نظری نیز عبارت است از استفاده از علوم دیگر برای فهم یک موضوع و یا حل یک مسئله» (درزی و همکاران، ۱۳۹۲ ش: ۹۸).

۳- آیه مورد بحث

در آیات ۹۰ و ۹۱ سوره‌ی حجر، آمده است: «كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ؛ شما را به غذایی همانند غذایی که بر تقسیم کنندگان قرآن فرو فرستادیم، هشدار می‌دهم. همانان که قرآن را بخش بخش کردند- بخشی را سحر و بخش دیگر را افسانه‌های پیشینیان و بخشی را ساخته و پرداخته پیامبر شمردند-».

صاحب کتاب التحقیق نوشته است: «معنای اصلی عضو، جزئی از یک چیزی است که دارای فایده و اثر است؛ نه هر جزئی؛ اما مفاهیم تفریق و توزیع و مانند آن از لوازم معنای اصلی است» (مصطفوی، ۱۳۸۵ ش، ۸، ص ۲۰۲)، طبرسی نیز در مجمع البیان می‌نویسد: ««عضین» جمع «عضه» است، و اصل «عضه»، «عضوه» بوده، که «واو» آن را انداخته‌اند و به همین جهت، جمع آن، با نون آمده است؛ همچنان که در «عزه» گفته شده است عزون؛ چون اصل «عزه» نیز «عزوه» بوده، و «تعضیه» به معنای تفریق است، و از «اعضاء» گرفته شده که هر یک از دیگری جدا است» (طبرسی، ۱۴۰۶ ق، ۶، ۳۴۴)

مصطفوی در ادامه می‌نویسد: «کلمه‌ی «مقتسمین» که از «اقتسام» از باب افتعال است، دلالت بر اختیار و مطاوعه دارد، و «مقتسیم» کسی است که تقسیم و تجزیه را می‌طلبد و مراد از آن، کسانی هستند که بر دین اسلام بوده و قرآن بر آنها نازل شده است؛ اما سپس آن را جزء جزء کرده و متفرق نموده‌اند» (مصطفوی، ۱۳۸۵ ش، ۸، ص ۲۰۲، ماده عضو).

۴- تفاسیر و احتمالات بیان شده در آیه مورد بحث

در خصوص آیه‌ی مورد بحث، اقوالی گفته شده که از آن جمله است:

۱- جمله «کما انزلنا علی المقتسمین» متعلق به آیه قبل (و قل انی انا النذیر المبین) می‌باشد؛ با تقدیر گرفتن جمله‌ای: «وَأَنْذِرْ قَرِيشًا مِثْلَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْعَذَابِ عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ: قریش را از عذابی که بر مقتسمین نازل شد، بترسان (زمخشری، ۱۴۰۷، ۲: ۵۸۹)؛ مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسند:

بنا بر این، منظور آیه، بنا بر روایتی، چنین می‌شود: «شما را از عذابی می‌ترسانم که بر کسانی که راه‌های مکه را قسمت کردند - تا از ایمان به پیامبر(ص) مانع شوند - نازل کردم. علامه در ادامه اضافه کرده‌اند: «پس ظاهر این است که دو آیه مورد بحث، قومی را یاد آوری می‌کنند که در اوائل بعثت بر علیه بعثت و برای خاموشی نور قرآن قیام کرده بودند، و آن را پاره پاره کردند، تا به این وسیله، مردم را از راه خدا باز دارند، و خداوند هم عذاب را بر ایشان نازل کرده و هلاکشان نموده است.» (طباطبایی، ۱۳۹۳ش، ۱۲، ۲۸۶)

۲- جمله «کما انزلنا علی المقتسمین» متعلق به آیه قبل یعنی «و لقد آتیناک سبعا من المثانی» می‌باشد و معنایش این است که: «ما قرآن را بر تو نازل کردیم آنطور که بر مقتسمین نازل کردی.» علامه طباطبایی در این مورد می‌نویسد: «و بنا بر این معنا، مقصود از مقتسمین، یهود و نصاری هستند که قرآن را قسمت قسمت نموده، گفتند به بعض آن ایمان داریم؛ ولی به بعضی دیگرش ایمان نداریم. لیکن این حرف وقتی درست است که سوره مورد بحث در مدینه نازل شده باشد، و حال آنکه در مکه نازل شده و در آن روز، رسول خدا (ص) گرفتار مخالفت‌های یهود و نصاری نشده بود» (طباطبایی، ۱۳۹۳ش، ۱۲، ۲۸۶). اما از دیدگاه زمخشری، این معنی از اعجاز قرآن است که از آینده‌ی کار و عذاب یهود بنی قریظه و بنی النضیر خبر داده (رک: زمخشری، ۱۴۰۷، ۲: ۵۸۹).

۳- بدین معنا که: «گروهی که قرآن را در میان خود تقسیم کردند، تا هر یک مشابه بخشی از قرآن را بیاورند.» (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ۶، ۳۵۵)

۴- برخی در مقصود از این آیه گفته‌اند که کسانی که به بخشی از قرآن، عمل و بخشی را رها می‌کردند؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض؛

قرآن و مسئله مطالعات میان رشته‌ای (با تاکید بر آیه ۹۱ سوره حجر) ۱۹

می‌گویند به بعضی ایمان داریم و برخی را قبول نداریم.» (نساء/۱۵۰). این دسته می‌نویسند: «برنامه‌های الهی، بدون شک حافظ منافع همه انسان‌ها است؛ ولی در ظاهر، معمولاً بعضی مطابق میل ما است، و بعضی بر خلاف میل ما است، و اینجاست که مؤمنان راستین از مدعیان دروغین شناخته می‌شوند؛ گروه اول، همه را در بست می‌پذیرند و می‌گویند: «همه‌اش از ناحیه خدا است.»؛ اما آنها که دل‌های بیماری دارند، تنها آن قسمتی را می‌پذیرند که به سود آنهاست.» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰ش، ۱۱، ۱۳۶). البته این ویژگی قابل انطباق بر هر کس و هر گروهی در هر زمان و مکان می‌باشد.

۵- بدین معنا که جمعی، قرآن را دارای اجزاء و اقسام ساختند «بعد از آنکه یکپارچه بود و دارای برنامه‌ی متصل و مرتبط» (مصطفوی، ۱۳۸۵ش، ۸: ۲۰۳).

۶- گروهی از قریش که قرآن را متفرق ساخته و بر اساس نزول جمع نکردند (ر.ک: بحرانی، ۱۴۲۷ق، ۴، ۴۱۶، ح ۱)؛ لذا مقصود از مقتسمین، «نه یهود و نصاری هستند و نه مشرکانی که مانع دیدار مردم با رسول الله (ص) می‌شدند» (مصطفوی، ۱۳۸۵ش، ۸: ۲۰۳).

۷- قول آخر این که "عضین" به معنی "کذب" است؛ یعنی: کسانی که قرآن را به غیر خدا نسبت داده و دروغ و ساخته و پرداخته انسان می‌دانستند (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹ق، ۶، ۳۵۴).

۵- بحث و بررسی مسئله

برای بررسی مسئله مورد بحث، چاره‌ای جز پرداختن به چند مقدمه برای رسیدن به مقصود نیست، و آن این‌که:

الف) جامعیت قرآن کریم:

جامعیت قرآن در آیاتی از قرآن مطرح شده است که از آن جمله است آیه ۱۱۱ سوره یوسف که در آن می‌خوانیم: «مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلًا كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»؛ به یقین در سرگذشت یوسف و برادرانش، برای

خردمندان درس عبرتی است. این داستان داستانی بافته شده نیست، بلکه تصدیق کننده تورات است که پیش از قرآن بوده، و روشنگر همه امور دینی مردم است و رهنمود و رحمتی است برای مردمی که ایمان می‌آورند» (یوسف، ۱۱۱). در آیه‌ای دیگر آمده است: «... وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِّلْمُسْلِمِينَ (نحل، ۸۹): ...»؛ ما قرآن را که بیانگر هر چیز و هدایت و رحمت و مژده ای برای تسلیم شدگان در برابر حق بود بر تو نازل کردیم».

علامه طباطبایی (ره) پس از بیان مقصود آیه ۸۹ سوره نحل و ذکر روایت «و علم آنچه بوده و هست و تا روز قیامت خواهد بود همه در قرآن هست می‌فرمایند: «و اگر این روایات، صحیح باشد، لازمه‌اش این می‌شود که مراد از تبیان، اعم از بیان به طریق دلالت لفظی باشد و هیچ بُعدی هم ندارد که در قرآن کریم، اشارات و اموری باشد که آن اشارات از اسرار و نهفته‌هایی کشف کند که فهم عادی و متعارف نتواند آن را درک نماید» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۱۲، ۴۶۹). و ظاهر «تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ» و «تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» این است که قرآن کریم بیان کننده همه چیز است؛ «زیرا شواهد و دلایلی نیز وجود دارند براین که نمی‌توان اطلاق آیات مورد بحث را، به امور معنوی، هدایتی و احکام مقید ساخت؛ بنابراین، جامعیتی که آیات مورد بحث و روایات برای قرآن ثابت می‌کنند، ویژه پیامبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت (ع) است» (کریمی، ۱۳۸۱، ش). پس جامعیت قرآن اعم از ظاهر و باطن قرآن و شامل نزول و تبیین آن است؛ همانگونه که در آیه‌ی «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...» و این قرآن را که وسیله یادآوری است، به سوی تو نازل کردیم، تا برای مردم آنچه را که به سوی آنان نازل شده است، بیان کنی...» (نحل/۴۴) بر این مطلب تصریح شده است.

ب) یکپارچگی قرآن کریم:

در آیه‌ی اول سوره‌ی هود می‌خوانیم: «الر كِتَابٌ اُحْكِمَتْ اَيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ؛ این قرآن کتابی است از جانب حکیمی آگاه که آیات آن حقیقتی واحد دارد و هدف واحدی را دنبال می‌کند و در عین حال، شرح داده شده و به شاخه‌ها و فصل‌های گوناگون تقسیم گردیده است». منظور از احکام آیات، ربط بعضی از آیات جدا شده از یکدیگر به هم، و ارجاع آیات آخر آن به اولش می‌باشد؛ بگونه‌ای که بازگشت همه به امر واحد بسیطی است که دارای اجزاء و ابعاض نمی‌باشد (رک: طباطبایی، ۱۳۹۳ش، ۱۰، ص ۲۰۲)؛ بنابراین، «آنچه از یک آیه با اِعمال قواعد مقرر در علوم مربوط (جدای از مجموعه آیات سوره) به دست می‌آید، در کشف معنی مراد از آن کافی نیست؛ بلکه باید تمامی آیات متناسب با آن را مورد توجه قرار داد و در آن به تحقیق و اجتهاد پرداخت.» (خامه‌گر، ۱۳۸۱ش).

معمولاً اندیشمندان و نویسندگان در هر علم و فنی، مطالب خود را طبقه بندی کرده و با دسته بندی مشخصی ارائه می‌کنند؛ بطوری که گویا این علوم با یکدیگر بیگانه‌اند. قرآن کریم از این روش پیروی نکرده است؛ بلکه مطالب خود را آمیخته با یکدیگر ارائه داده و در عین حال، مبحث ویژه‌ای را دنبال می‌کند. و این در حالتی است که از جاذبه و طراوت آن هرگز نمی‌کاهد (رک: میر باقری، ۱۳۸۱ش)؛ بنا بر این، اسلام و معارف و آموزه‌های قرآن، مجموعه‌ای به هم پیوسته، مرتبط و غیر قابل تفکیک بوده و ایمان به مجموعه معارف و آموزه‌های آن و پرهیز از هرگونه تجزیه و التقاط در آن، ضرورت دارد (رک: ملکیان اصفهانی، ۱۳۹۴ش، ۱، ۳۴۸۴).

ج) پیوستگی، هماهنگی و تناسب آیات قرآن:

«مناسبت در لغت به معنای همشکل بودن و نزدیک بودن است. و در اصطلاح علوم قرآن، به معنای ربط دهنده میان آیات بر می‌گردد که این معنای رابط، خواه عام باشد یا خاص،

عقلی یا حسی و یا تلازم ذهنی مانند سبب و مسبب و علت و معلول و نظایر و اضداد و مانند آنها، با توجه به این روابط و تناسبها، تالیف کلام، مانند ساختمان محکمی می‌شود که قسمت‌های مختلف و گوناگون آن با هم مربوط و هماهنگ می‌باشند» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۸ش).

«تعبیر به این‌که همه قرآن مانند یک کلمه، یعنی یک جمله و همه ابعاض آن هماهنگ است، از لطیف‌ترین تعبیرهای قرآن‌شناسانه است؛ زیرا گاهی از آیه سوره‌ای برای تفسیر آیه سوره دیگر استفاده می‌شود و زمانی از آیه یک سوره برای آیه دیگر همان سوره بهره‌برداری می‌شود و گاهی از برخی الفاظ یک جمله برای روشن شدن الفاظ دیگر همان جمله استفاده می‌شود. پس پیوند مزبور، بهترین پیوند است» (جوادی آملی، ۱۳۸۰ش، ۳، ۲۲). اینکه آیات هر سوره به نظر پراکنده می‌رسد، به سبب مادی بودن ابزار درک ماست، و الا قرآن ورای این برداشت معمولی ما، دارای حقیقتی واحد است». (رک: طباطبایی، ۱۳۹۳، ۱، ۱۶)

واقع‌نمایی آیات و حکایتگری آنها از حقایق پیوسته جهان هستی، چهره‌ای پیوسته و سازگار به تمام آیات قرآن داده است؛ به طوری که آیات، مصدق و مفسر یکدیگرند. از این‌رو، برای تفسیر آیات قرآن در یک موضوع می‌توان از آیات مرتبط با همان واقعیت در قرآن بهره جست پیوستگی معارف قرآن، به پیوندهایی میان جملات و آیات آن منحصر نمی‌شود؛ بلکه پیوندهای معنایی خاص میان مفردات قرآن نیز برقرار است (رک: اشرفی، ۱۳۸۷ش، ۴۹).

کلمات و واژه‌ها در قرآن، تنها و منعزل از کلمات دیگر به کار نرفته است؛ بلکه با ارتباط نزدیک به یکدیگر به کار رفته‌اند و معنی محسوس خود را دقیقاً از مجموع دستگاه ارتباطاتی که با هم دارند به دست می‌آورند. به عبارت دیگر، این کلمات میان خود گروه‌های گوناگون بزرگ و کوچک می‌سازند، که این گروه‌ها نیز بار دیگر از راه‌های

مختلف با هم پیوند پیدا می‌کنند و سرانجام یک کل سازماندار و یک شبکه‌ی بسیار پیچیده و درهم‌پیوستگی‌های تصویری از آنها فراهم می‌آید (رک: ایزوتسو، ۱۳۸۱ش، ۶).

(د) استفاده از روش ساختاری در تفسیر قرآن:

مقصود از استفاده از روش ساختاری در تفسیر قرآن، داشتن نگرش جامع‌گرایانه به معانی سوره‌هاست؛ چرا که «معارف قرآن - که در هزاران آیه گرد آمده‌اند - در یک نظم واره درونی قرار داشته، کهکشانی معارف وحی، چونان حقایق هستی، در مدارهای مشخص حرکت می‌کنند» (صالحی، ۱۳۸۸ش). بر این اساس، مفسر با ژرف‌اندیشی در محتوای هر سوره و یافتن غرض اصلی آن، نگاهی جامع بر آیات داشته و با فهم روح کلی سوره، به چگونگی ارتباط آیات به ظاهر پراکنده دست می‌یابد و از رهگذر انسجام معنایی سوره، نکات تازه‌ای از آن کشف می‌کند (رک: خامه‌گر، ۱۳۸۸ش)، و به تعبیر پروفیسور عرفان شهید: «توجه به همبستگی آیات یک سوره در تفسیر قرآن، بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا تجزیه آیات قرآن و تفسیر هریک، جدای از تمامی سوره، بیش از هر چیز برای قرآن زیان‌آور است» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۸ش)، واز دیدگاه متفکر شهید آیه‌الله سید محمد باقر صدر: «به احتمال قوی به همان اندازه‌ای که روش موضوعی در فقه باعث پرباری و پیشرفت فکر فقهی شده، روش تجزیه‌ای در تفسیر، باعث رکود اندیشه اسلامی در زمینه‌های قرآن گردیده و جلو پیشرفت دائم آن را گرفت تا جائی که قرن‌های متوالی، اندیشه اسلامی نتوانست گامی فراتر نهد و چیزهای تازه‌ای بر تحقیقات اسلامی بیفزاید» (صدر، ۱۳۸۱ش، ۱۹). پس بر اساس ارتباط و تناسب آیات، برخی آیات، برخی دیگر را تفسیر کرده (بعضی بعضی و بعضی با بعضی دیگر سخن می‌گوید (ینطق بعضه ببعض) و آیات متشابه به وسیله آیات محکم از پرده ابهام در آمده و تأویلات الهی در خلال آیات قرآنی کشف می‌گردد، و آیاتی که تکراری یا بدون ارتباط و تناسب به نظر می‌رسند، معنای

خاص هر کدام ظاهر گشته و مهمترین چهره اعجاز قرآن، یعنی اعجاز در ترکیب و نظم و تناسب آیات در برابر ما نمایان خواهد شد (رک: بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۸ ش)،

ه) چند وجهی بودن سوره‌های قرآن:

در این دیدگاه، هر سوره فراتر از وحدت و یکپارچگی موضوعی، دارای محورها و اهداف متعددی است که هر یک در طول دیگری بوده و مانع از ظهور و بروز دیگری نخواهد بود. هر سوره بمانند حجمی است که دارای صورت‌های مختلف از زوایای مختلف می‌باشد که از هر طرف، موضوع محوری آن، مخصوص به خود است. هر چند در مجموع، باید یک وجه اتصال و هماهنگی بین همه این موضوعات حاکم باشد، که از آن به هندسه چند وجهی سوره‌های قرآن تعبیر می‌شود (رک: سعید بخش، ۱۳۸۸ ش). قرآن در قالب آیات و سوره متعدد به عنوان نخستین ابزار ارتباطی خالق با مخلوق مطرح بوده و فرض هندسه چند وجهی آن براساس زیر ساختی معین، می‌تواند حاکی از خطای صفر این مدل ارتباطی باشد. ساختار چند وجهی سوره‌ها، تکنیکی است جهت مهندسی انتقال مفاهیم در بالاترین سطح به مخاطب (رک: ذاکری، ۱۳۹۱ ش؛ چرا که قرآن، پیچیده‌تر از آن است که در سوره‌های آن، تنها یک موضوع محوری وجود داشته باشد؛ بلکه هر یک دارای موضوعات محوری در طول هم هستند که هندسه وار، یکپارچه و منسجم به هم تنیده و پیچیده شده‌اند، و چون حقیقت ملکوتی قرآن دارای ابعاد مختلف است، این قرآن عربی نیز دارای وجوه متعدد معنایی و هندسه‌های مختلف می‌باشد (رک: سعید بخش، ۱۳۸۸ ش).

و) استقلال معناشناختی قرآن:

زبان قرآن، شناختاری و عقلایی است؛ اما قرآن در کنار رعایت عرف عقلا، ساختار و عرف ویژه‌ای نیز تأسیس کرده است که برای فهم آن، بیش از همه باید به خود قرآن رجوع کرد (رک: قربانی و نجارزادگان، ۱۳۹۰ ش، ۱۶۵). یعنی قرآن کریم به دلیل اینکه «نور» و

«تبیاناً لكل شیء» بوده و انسان‌ها را دعوت به «تدبر» نموده است، در اصل حجیت و هم تبیین خطوط کلی معارف دین، مستقل است؛ یعنی حجیت آن ذاتی است و با خودش تفسیر می‌پذیرد. هرچند اندیشه‌های بیرونی به عنوان مبدأ قابل فهم قرآن نقش دارد؛ اما مخاطبان قرآن برای بهره‌گیری از ظواهر قرآن به سرمایه‌ای فراتر از علوم پایه مؤثر در فهم قرآن و ضمیری که به تیرگی گناه آلوده نباشد، نیاز ندارند (رک: جوادی‌آملی، ۱۳۸۱ ش، ۱، ۶۴ تا ۶۷).

۶- نتیجه‌گیری

- ۱- قرآن کریم کتابی جامع و یکپارچه بوده و آیات آن دارای پیوستگی، هماهنگی، تناسب و پیوند معنایی عمیقی می‌باشد.
- ۲- آیات قرآن، علاوه بر وحدت و یکپارچگی موضوعی، دارای محورها و اهداف متعددی است که از آن به چند وجهی بودن سوره‌های قرآن یاد می‌شود.
- ۳- کشف هماهنگی و پیوند معنایی آیات قرآن ضابطه‌مند و معیار پذیر است.
- ۴- جهت استفاده از قرآن، داشتن نگرش جامع‌گرایانه به معانی سوره‌ها، لازم و ضروری است.
- ۵- معارف و آموزه‌های قرآن، مجموعه‌ای به هم پیوسته، مرتبط و غیر قابل تفکیک است.
- ۶- ایمان به مجموعه معارف و آموزه‌های قرآن و اسلام و پرهیز از هرگونه تجزیه و التقاط در آن ضرورت دارد.
- ۷- مطالعه و پژوهش در قرآن کریم، به عنوان کتاب زندگی، بدون در نظر گرفتن یکپارچگی آیات الهی، و جزیره‌ای دیدن موضوعات آن، کاملاً میسر نشده و از جامعیت و واقع‌نمایی مطلوب برخوردار نخواهد شد؛ لذا پرداختن به مسئله‌ای با در نظر گرفتن سایر موضوعات مرتبط، به روشنایی و واقع‌بینی در فهم مسائل پژوهشی منجر خواهد شد.
- ۸- علوم عادی بشر، برای اداره و سامان زندگی هدفمند، کافی نبوده و نیازمند «علم و حیانی» است. لذا انبیاء الهی، برای ارائه اصول صحیح زندگی به بشریت آمده‌اند؛ و قرآن

کریم، بعنوان نسخه کامل کتاب‌های آسمانی، توسط خاتم پیامبران(ص)، بیشتر از همه مسائل، جهت اصلاح علوم انسانی آمده است؛ چرا که علوم انسانی بعنوان «نرم‌افزار علم‌ها» و پایه، گره‌گشا و جهت دهنده علوم دیگر بوده و با اصلاح آن، همه علوم جهت دار شده و در خدمت دنیا و آخرت انسان قرار خواهد گرفت. علوم انسانی ما، در روش و محتوی، غربی، یا متأثر از غرب و بر مبنای امانیستی و در فضای سکولار شکل گرفته است، پس می‌بایست به سمت «قرآنی شدن» حرکت نماید؛ لذا اصلاح و تحول در علوم انسانی، ضرورتی عقلانی و نیازی عینی بوده لذا مطالعات و پژوهش‌های بین رشته‌ای بر بومی سازی علوم کمک کرده و به نتایج مثبت و روشن‌تری منتهی می‌شود. (رک: فتحی، ۱۳۹۵).

۹- در معنی و مقصود از آیه «...الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» احتمالات زیادی بین مفسران مطرح شده است که جزیره‌ای دیدن موضوعات قرآن و نادیده گرفتن یکپارچگی آیات الهی، از بارزترین معنای آن محسوب می‌شود.

پیشنهادات

۱- با توجه به استقلال معناشناختی قرآن، بجای عرضه آیات بر اندیشوران، می‌بایست اندیشه‌ها بر قرآن عرضه شوند.

۲- با در نظر گرفتن جامعیت و یکپارچگی آیات و «تفصیل‌گری» و «تبیین هر شی بودن» قرآن، رویکرد به مطالعات میان رشته‌ای در پژوهش‌های علوم مختلف، بخصوص علوم انسانی با محوریت قرآن کریم، ضمن پربار نمودن علوم در جامعه اسلامی، به بومی سازی علوم نیز کمک شایانی خواهد نمود.

۳- امروزه هزینه‌های گزافی در امر پژوهش‌های دینی و فرا دینی انجام می‌شود، که با بومی سازی علوم با محوریت قرآن، و بها دادن به مسئله میان رشته‌ای، از هدر رفت سرمایه‌های ملی جلوگیری می‌کند.

۴- فرهنگ‌سازی برای پژوهش‌های قرآنی با رویکرد مطالعات میان رشته‌ای، ضرورت جامعه اسلامی و از وظایف همه نهادها، موسسات و ارگان‌های مرتبط است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم، (۱۳۸۴ش)، ترجمه بر اساس المیزان (محمد رضا صفوی)، قم، دفتر نشر معارف.
۲. اشرفی، امیررضا، (۱۳۸۷ش)، پیوستگی آیات قرآن و نقش آن در تفسیر از منظر علامه طباطبایی (ره)، فصلنامه قرآن شناخت، سال اول، شماره دوم، قم.
۳. ایزدی جیران، اصغر، (۱۳۸۸ش)، انسان‌شناسی هنر به مثابه یک دانش بین‌رشته‌ای، دو ماهنامه فارابی، شماره ۹، تهران.
۴. ایزوتسو، توشی‌هیکو، (۱۳۸۱ش)، خدا و انسان در قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۵. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۲۷ق)، البرهان فی تفسیرالقرآن، بیروت، موسسه اعلمی.
۶. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۶۸ش)، ارتباط و تناسب آیات در قرآن، کیهان اندیشه، شماره ۲۸، قم.
۷. جوادی‌آملی، عبدالله، (۱۳۸۰ش)، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، قم، مرکز نشر اسراء.
۸. خامه‌گر، محمد، (۱۳۸۶ش)، نظریه هدفمندی سوره‌ها، مبانی و پیشینه، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۱ - ۵۲، قم.
۹. خامه‌گر، محمد، (۱۳۸۸ش)، روش استنباط گزاره‌های علمی از ساختار سوره‌ها (مطالعه موردی اصول همگرایی جامعه دینی در ساختار سوره آل عمران)، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی شماره ۵۷، قم.
۱۰. خامه‌گر، محمد، (۱۳۸۱ش)، درآمدی بر تفسیر ساختاری قرآن، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۹ و ۳۰، قم.
۱۱. درزی، قاسم و همکاران، (۱۳۹۲ش)، گونه‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای در قرآن کریم، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره پنجم، شماره ۴.
۱۲. رحمانی، جبار، (۱۳۹۲ش)، فرهنگ‌شناسی: میان رشتگی و علم انسان‌شناسی، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره پنجم، شماره ۳.

۱۳. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی.
۱۴. ذاکری، مرضیه، (۱۳۹۱ش)، مهندسی پیام بر مبنای تکنیک «ساختار چند وجهی سور قرآن» (با تأکید بر سوره کهف)، پایان نامه دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء (س)، تهران.
۱۵. سعدی، مصلح بن عبدالله، (۱۳۹۴ش)، گلستان، باب اول، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی.
۱۶. سعید بخش، حمید، (۱۳۸۸ش)، نظریه هندسه چند وجهی سوره های قرآن، پژوهش های قرآنی، شماره ۵۸، قم.
۱۷. صالحی، سیدعباس، (۱۳۸۸ش)، مفسران معاصر و پیوند معنایی سوره های قرآن، پژوهش های قرآنی، شماره ۵۷، قم.
۱۸. صدر، محمدباقر، (۱۳۸۱ش)، سنت های تاریخ در قرآن، ترجمه و تحقیق جمال الدین موسوی اصفهانی، تهران، تفاهم.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۳ش)، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. طبرسی، ابوعلی، (۱۴۰۶)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
۲۱. طوسی، ابو جعفر، (۱۴۰۹ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۲. فتحی، امین، (۱۳۹۵)، قرآنی سازی علوم انسانی، ضرورت جامعه بشری، رشت، کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین علوم انسانی در قرن ۲۱.
۲۳. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۲۴. کاپرا، فریتیفوف، (۱۳۷۵)، تائوی فیزیک، ترجمه حبیب الله دادفرما، تهران، کیهان.
۲۵. کریمی، حمیده، (۱۳۹۲ش)، کل نگر با کمک اصل هولوگرافیک، قابل بازیابی در: <http://imanagerad.org/index.php>
۲۶. کریمی، مصطفی، (۱۳۸۱ش)، جامعیت وحی محمدی (ص) به گستره علم آن حضرت، معرفت شماره ۶۰، قم.
۲۷. مصطفوی، حسن، (۱۳۸۵ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، طهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۲۸. منشی، غلامرضا، (۱۳۷۶ش)، روانشناسی تندرستی، اصفهان، انتشارات غزل.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، (۱۳۸۰ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

قرآن و مسئله مطالعات میان رشته‌ای (با تاکید بر آیه ۹۱ سوره حجر) ۲۹

۳۰. میر باقری، سید محسن، (۱۳۸۳ش)، ارتباط آیات در سُورِ قرآن کریم با نگاه به سوره التحريم، پژوهش دینی، شماره ۷، تهران.

۳۱. ملکيان اصفهانی، رسول، (۱۳۹۴ش)، علم مفاهيم شناسی در قرآن، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.

۳۲. وردی‌نژاد، فریدون، و شهرام، وحید، (بی‌تا)، سیستم‌ها و جهان هستی، قابل بازیابی در:
<http://www.verdinejad.com>

